



سیرهٔ علما و اندیشمندان اهل سنت در زیارت قبور اهل بیت پیامبر ﷺ؛ مطالعهٔ موردی، زیارت امام رضاؑ توسط بزرگان اهل سنت افغانستان تا ظهور صفویه

حسین عبدالحمیدی / دانشیار گروه تاریخ جامعة المصطفی العالمیه

Hoseinmohammadi31@yahoo.com  orcid.org/0000-0002-3289-549X

محمدرضا ضیایی / دکترای فقه و معارف اسلامی گرایش تاریخ اسلام جامعة المصطفی العالمیه

rezaziae19@yahoo.com  <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۳

چکیده

سیرهٔ عملی بزرگان اهل سنت افغانستان در زیارت مزار مطهر امام رضاؑ، مهر بطلانی است بر دیدگاه وهابیت که ضمن تخریب مزارات و اهانت به آنها، مردم مسلمان را از توسل و تبرک به مزارات بزرگان دینی و مذهبی منع و نهی می‌کنند. مسئلهٔ این پژوهش بررسی و تحلیل جایگاه زیارت امام رضاؑ نزد بزرگان اهل سنت افغانستان تا ظهور صفویه است. این پژوهش با انگیزهٔ واکاوی سفر بزرگان اهل سنت افغانستان برای زیارت امام رضاؑ و توسل به آن حضرت، با رویکرد نقد دیدگاه وهابیت که زیارت را منافات با توحید می‌داند، انجام گرفته است. نیل به این مقصد، در سایهٔ توصیف و تبیین جایگاه و اهمیت زیارت امام رضاؑ نزد بزرگان اهل سنت با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی است. برآیند این پژوهش، تبیین حضور بزرگان اهل سنت افغانستان برای زیارت حرم امام رضاؑ است که در قالب تشریح به حرم آن حضرت، زیارت آن امام معصومؑ، دعا و نیایش در کنار مضجع آن امام همام و توسل به آن حضرت تبلور یافته است. حضور این بزرگان برای زیارت امام رضاؑ برخلاف دیدگاه وهابیت است که امروزه در کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان، فعالیت دارند و مانع حضور مردم برای زیارت قبور امام‌زادگان و بزرگان می‌شوند و سفر برای زیارت اهل بیت پیامبر ﷺ را امری ناروا می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: زیارت امام رضاؑ، علمای اهل سنت، افغانستان، وهابیت.

زیارت قبور امامان معصوم علیهم‌السلام، یکی از شعائر اسلامی و از جمله شاخص‌های دین‌مداری و اهل‌بیت‌محوری به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یکی از ارکان و مؤلفه‌های هویتی مسلمانان، نقش بسیار مهمی در تعالی فرهنگی و هم‌گرایی اجتماعی جوامع اسلامی دارد. مردم مسلمان افغانستان، اعم از شیعه و سنی، از گذشته‌های دور به زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام اهمیت می‌دادند و در این امر دارای اعتقادات مشترک با شیعیان بوده‌اند. اهتمام به زیارت مراقد آن بزرگواران نشان از محبت مردم این دیار به اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد.

تعظیم و زنده نگه داشتن نام و یاد گذشتگان، به‌ویژه بزرگان، ریشه در فطرت انسان دارد و زیارت قبور بزرگان دینی و علمی، نوعی تعظیم و تکریم آنان است که در بین تمام ملل دنیا امری پسندیده به‌شمار می‌رود. فقه‌های مذاهب اسلامی، نه‌تنها بر جواز و مشروعیت زیارت بقاع متبرکه و قبور مسلمانان فتوا داده‌اند، بلکه بسیاری از ایشان زیارت این اماکن را مستحب دانسته‌اند؛^۱ اما امروزه در جهان اسلام، از جمله در افغانستان، به‌ویژه شهر هرات، گروه‌های افراطی از وهابیت نفوذ کرده‌اند و مردم را از زیارت، توسل و تبرک مزارات و امام‌زادگان منع می‌کنند. از این‌رو بررسی جایگاه زیارت امام رضا علیه‌السلام نزد عالمان و بزرگان اهل سنت افغانستان می‌تواند مهر بطلانی بر دیدگاه وهابیت باشد و از اهمیت خاصی برخوردار است.

عالمان دینی و بزرگان اهل سنت افغانستان که الگوی جامعه به‌شمار می‌آیند، همواره زیارت، دعا، توسل، تلاوت قرآن و نیایش نزد مضجع شریف اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را در راستای آموزه‌های دینی می‌دانند. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای و استفاده از روش تحلیلی - توصیفی به این سؤال پاسخ داده است که جایگاه زیارت امام رضا علیه‌السلام نزد اندیشمندان و بزرگان اهل سنت افغانستان از آغاز تا ظهور صفویه چگونه بوده است؟

با توجه به تفحص و جست‌وجوی انجام‌گرفته، تحقیق مستقل و جامعی در این موضوع صورت نگرفته است. البته پژوهش‌های پراکنده و به‌صورت کلی، به‌ویژه در نقد دیدگاه وهابیت درباره زیارت، انجام شده؛ اما با رویکرد تاریخی و در قلمرو جغرافیایی افغانستان پژوهشی صورت نگرفته است. این مقاله با ذکر نمونه‌های تاریخی از حضور برخی عالمان بزرگ اهل سنت افغانستان در مشهدالرضا و زیارت قبر شریف آن امام همام، به تبیین جایگاه زیارت امام رضا علیه‌السلام نزد عالمان و بزرگان اهل سنت این کشور پرداخته است. سیره عملی ایشان مهر بطلانی است بر اندیشه نادرست گروه‌های افراطی سلفی و وهابیت، که توسل به اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را شرک و منافی توحید می‌دانند.

۱. رک: علی بن عبدالکافی سبکی شافعی، شفاء السقام فی زیارة خیرالانام، ص ۶۶ محمدین محمدین محمد عبدری فاسی مالکی، المدخل، ج ۱، ص ۲۵۶ مهدی درگاهی، زیارت از منظر مذاهب اسلامی.

۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به نقش و جایگاه مفهوم‌شناسی در پژوهش‌های علمی و اهمیت شناخت معنای واژگان در تبیین موضوع بحث، ضرورت دارد که ابتدا کلمات و مفاهیم کلیدی استفاده‌شده در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. افغانستان

افغانستان سرزمینی است کوهستانی که در قلب آسیا قرار دارد. با توجه به اسناد و منابع تاریخی، بخش عمدهٔ سرزمینی که امروزه به نام افغانستان شناخته می‌شود، در آستانهٔ ورود اسلام به آن دیار و در دورهٔ اسلامی تا دویست سال قبل، خراسان نامیده می‌شد. پادشاهان مقتدر ساسانی، که در آستانهٔ ورود اسلام به افغانستان، در این سرزمین و بخشی از اطراف آن حکومت می‌کردند، در تقسیمات اداری خویش خراسان را به نقاطی اطلاق می‌کردند که امروزه قسمت عمدهٔ آن در افغانستان واقع شده است و به نام این سرزمین یاد می‌شود؛ چنان‌که گفته شده است: *رِدْشیر بایکان خراسان را به چهار مرزبان تقسیم کرد که عبارت‌اند از: مرزبان مروشایگان؛ مرزبان بلخ و طخارستان؛ مرزبان ماوراءالنهر؛ و مرزبان هرات، پوشنگ و بادغیس*^۱. البته خراسان محدودهٔ وسیعی را دربرمی‌گرفت که افغانستان فعلی بخشی از آن را تشکیل می‌داد.^۲

افغانستان در بین تعدادی از کشورها محصور شده است. جمهوری اسلامی ایران در غرب آن، جمهوری‌های آسیای میانه، مانند تاجیکستان، ازبکستان، و ترکمنستان در شمال آن، چین در شمال شرق، و پاکستان در جنوب و شرق آن قرار دارند.^۳ این کشور به دریای آزاد نیز راه ندارد.^۴ بنابراین، مراد از افغانستان، بخشی از خراسان بزرگ است.

۱-۲. زیارت

۱-۲-۱. زیارت در لغت و اصطلاح

واژهٔ زیارت از ریشهٔ «زَوَّرَ»^۵ به معنای میل و تمایل است.^۶ البته اگر حرکت «زا» و «واو» تغییر کند و «زور» به ضمّ زَا و سکون واو قرائت شود نیز به معنای تمایل و میل به کار رفته؛ ولی تمایل به غیر حق است؛ در این صورت، «زور» به معنای چیزی جز خداوند متعال که در مقام پروردگار پرستیده می‌شود یا به معنای مطلق شرک و کذب آمده است.^۷ در این استعمال نیز معنای انحراف از حق، و میل و تمایل به غیر حق، واضح و روشن است.

۱. ابو سعید عبدالرحمن ضحاک گردیزی، زین الاخبار، ص ۲۱۱.

۲. ر.ک: محمدرضا شیبایی، تاریخ حوزه‌های علمیه شیعه در افغانستان، ص ۲۹-۴۳.

۳. مرتضی اسعدی، جهان اسلام، ص ۶۶.

۴. بصیراحمد دولتابادی، شناسنامه افغانستان، ص ۲۳.

۵. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۶۷۲ سیدعلی خان مننی شیرازی، الطراز الأول، ج ۸، ص ۵۵.

۶. محمدمرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶ ص ۴۷۹؛ احمدبن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۲۶۰.

۷. محمدبن مکرّم ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۲۷؛ اسماعیل بن عباد صاحب‌بن عباد المحیط فی اللغة، ج ۹، ص ۸۲ حسن‌بن عبدالله عسکری، الفرق فی اللغة، ص ۲۸.

استعمال «زور» به فتح ز و سکون واو، این واژه به معنای سینه به طور مطلق یا بالای سینه یا وسط سینه آمده؛^۱ اما «زور» به فتح واو و ز با معنای تمایل و میل در سینه^۲ و قصد به کار رفته است.^۳ از این رو واژه «زور» به معنای میل و تمایل استعمال شده است؛ هر چند برخی معنای آن را واضح و معروف دانسته‌اند.^۴ عده‌ای نیز زیارت را قصد دیدار مزور (زیارت شده) برای اکرام او و انس گرفتن با او دانسته‌اند.^۵ بنابراین هر دیدار و ملاقاتی زیارت به‌شمار نمی‌آید؛ بلکه زیارت، آن دیدار و ملاقاتی است که اولاً همراه با میل و رغبت باشد؛ ثانیاً همراه با قصد و اراده صورت گیرد؛ ثالثاً همراه با اکرام مزور انجام شود.

زیارت در اصطلاح نیز به معنای تمایل آمده و مراد از این اصطلاح آن است که افزون بر حرکت جسمی، قلب هم گرایش جدی به زیارت شونده داشته باشد و با او انس روحی پیدا کند.^۶ این معنا در مرتبه کامل خود، اقبال قلبی، روحی، فکری، اخلاقی و عملی به زیارت شونده را در خود دارد.^۷ بنابراین، زیارت در اصطلاح، دیدار و حضور زائر نزد مزور است که همراه با میل قلبی و عشق صورت گیرد.

واژه «زیارت» در منابع روایی گاهی برای دیدار میان انسان‌های زنده به کار رفته^۸ و گاهی هم برای دیدار مردگان از آن استفاده شده است.^۹ متون روایی مانند قرآن نیز با جهت‌دهی صحیح به زیارت، در تلاش برای جلوگیری از انحراف از حق و تمایل به باطل است؛ از این رو و به منظور بهره‌مندی مطلوب زیارت‌کننده از زیارت، آن را به «الله» و «فی‌الله» بودن قصد و نیت زائر مشروط کرده است؛ یعنی زیارت برای خدا انجام گیرد.^{۱۰}

۲-۱. زیارت از منظر مذاهب اسلامی

علما و دانشمندان اسلامی از دیرباز تاکنون به مشروعیت، بلکه استحباب زیارت قبور صالحان، از جمله قبر مطهر پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت ﷺ فتوا داده‌اند.^{۱۱} برخی از عالمان اهل سنت استحباب زیارت قبر پیامبر ﷺ را امر

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ۳۳۳-۳۳۴؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب الین، ج ۷، ۳۷۹؛ اسماعیل بن عیاد صاحبین عیاد المحیط فی اللغه، ج ۹، ص ۸۱؛ عبدالملک بن محمد ثعالبی،

فقه الله، ص ۱۲۲؛ عبدالله بن محمد ازدی، کتاب الماه، ج ۲، ص ۵۹۵.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب الین، ج ۷، ۳۷۹؛ اسماعیل بن عیاد صاحبین عیاد المحیط فی اللغه، ج ۹، ص ۸۱.

۳. احمد بن محمد فومی، المصباح المنیر، ج ۲، ۲۶۰؛ علی‌اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۱۸۹.

۴. اسماعیل بن عیاد صاحبین عیاد المحیط فی اللغه، ج ۹، ص ۸۲.

۵. احمد بن محمد فومی، المصباح المنیر، ج ۲، ۲۶۰؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۰؛ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۲۷۴.

۶. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۲۰.

۷. عبدالله جولادی املی، ادب فنای مرقبان، ج ۲، ص ۱۷.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ۱۷۵؛ محمد بن علی صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۶؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۰۴؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی،

ج ۳، ص ۲۴۶.

۹. محمد بن حبان بسّی، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، ج ۷، ۴۳۹-۴۴۰؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰؛ عبدالله بن محمد بن ابی‌شیبه کوفی، المصنف فی الأحادیث والآثار،

ج ۳، ص ۲۲۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ۲۲۸؛ محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲۲.

۱۰. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۱۱. محمد بن محمد عبّری فاسی مالکی، المدخل، ج ۱، ص ۲۵۶.

مجمع علیه دانسته‌اند.^۱ براین اساس، مذاهب چهارگانهٔ اهل سنت زیارت قبر پیامبر ﷺ را مستحب دانسته‌اند و این امر مورد پذیرش همهٔ مذاهب اسلامی است. یکی از مذاهب اسلامی که اکثریت پیروان اهل سنت مردم افغانستان را نیز تشکیل می‌دهد، مذهب حنفی است. علمای حنفی و شیعی در مسئلهٔ زیارت هم‌نظر و متفق‌القول‌اند؛ بدین معنا که علمای حنفی نیز همانند علمای مذهب جعفری زیارت قبر پیامبر ﷺ را مستحب مؤکد دانسته‌اند.^۲ قاری هروی، یکی از عالمان برجستهٔ حنفی مذهب افغانستان، ضمن مستحب دانستن زیارت قبر رسول الله ﷺ، سخن/ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق) مبنی بر حرمت سفر زیارت قبر پیامبر ﷺ را افراطی و باطل دانسته و آن را سخنی بی‌پهلو و در مقابل اجماع علمای اسلامی خوانده است. وی معتقد است: /ابن تیمیه از پیروان حنابله، که سفر زیارت پیامبر ﷺ را حرام دانسته، افراط کرده است.^۳ همچنین بسیاری از متکلمان و مفسران بزرگ اهل سنت زیارت قبور صالحان را امری پسندیده و مستحب دانسته‌اند^۴ و دیدگاه/ابن تیمیه و وهابیت را نقد کرده و زیارت قبور صالحان را دارای اهمیت و فضیلت دانسته‌اند.^۵ افزون بر این، کتاب‌های متعددی از طرف دانشمندان اهل سنت در ردّ عقیدهٔ وهابیت و/ابن تیمیه دربارهٔ زیارت نگاشته شده است؛ مانند *رفع المنارة لتخريج أحادیث التوسل والزيارة*، اثر محمود سعید مملوح شافعی و *تحفة الزوار الی قبر النبی المختار*، اثر ابن حجر هیتمی، که همگی در رد وهابیت‌اند. بنابراین، دیدگاه وهابیت دربارهٔ زیارت مورد نقد متکلمان و فقیهان اهل سنت نیز قرار گرفته است و ایشان آن را برخلاف اجماع علما و متکلمان اسلامی معرفی کرده‌اند.

۳-۱. زیارت از منظر وهابیت

با وجود ادلهٔ فراوان بر استحباب و فضیلت زیارت،/ابن تیمیه نخستین کسی است که با زیارت قبور مخالفت کرده و سفر برای زیارت قبور، حتی قبر رسول خدا ﷺ را غیر مشروع و حرام دانسته و آن را از مصادیق سفر معصیت اعلام کرده است.^۶ او معتقد است: زیارت قبور در صورتی مشروع است که فقط برای صاحب قبر سلام دهد و برای او دعا کند؛ ولی اگر برای خود دعا کند و کنار قبر نماز بخواند و از ایشان حاجت بخواهد و شفاعت طلب کند، زیارت غیر مشروع انجام داده است.^۷ /ابن تیمیه و فرقهٔ وهابیت بوسیدن حرم مطهر صالحان و تبرک جستن به آن را شرک می‌دانند.^۱ پس از

۱. علی بن عبدالکافی سبکی شافعی، شفاء السقام، ص ۶۶

۲. کمال‌الدین محمد بن عبدالواحد سیوسی ابن‌همام، فتح القدر، ج ۳، ص ۱۷۹؛ عبدالله بن محمود موصلی البلخی، الاختیار لتلیل المختار، ج ۱، ص ۱۷۵؛ حاجه نجاح حلبی، فقه العبادات علی المذهب الحنفی، ج ۱، ص ۲۰۰ و ۲۰۸؛ محمد بن فرامرز مولی خسرو، درالحکام شرح غررالأحكام، ج ۱، ص ۳۳۲.

۳. علی بن محمد قاری هروی، شرح المشقه، ج ۲، ص ۱۵۲.

۴. ر. ک: محمد بن عمر فخررازی، المطالب العالیه من العلم الإلهی، ج ۷، ص ۲۷۷، ۲۷۶؛ احمد عابدی، فلسفه زیارت، ص ۲۲-۳۳.

۵. ر. ک: علی بن عبدالکافی سبکی شافعی، شفاء السقام، ص ۶۳-۱۲۰؛ قاضی عیاض، الشفاء بتعريف حقوق المصطفى، ج ۲، ص ۱۹۲-۲۰۶؛ عبدالحسین امینی، الزیارة، ص ۳۷-۱۵.

۶. احمد بن عبدالعلیم ابن تیمیه حرانی حنبلی، مجموعه الفتاوی، ج ۲۶، ص ۸۴ و ۸۳؛ هبوع الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۱۴۶.

۷. احمد بن عبدالحکیم ابن تیمیه حرانی حنبلی، مجموعه الفتاوی، ج ۲۶، ص ۸۲.

ابن تیمیه نیز افرادی از وی پیروی کرده و سفر به قصد زیارت، دعا و استغاثه در کنار قبور صالحان را حرام و شرک دانسته‌اند.^۲ بدین ترتیب، اندیشهٔ ابن تیمیه به عنوان بنیان گذار افکار وهابیت مورد توجه و اقبال گروه‌های تندرو قرار گرفته است. گروه وهابیت، هرچند در ظاهر زیارت قبر مطهر پیامبر اعظم ﷺ را جایز می‌داند، ولی مسافرت برای زیارت آن حضرت، دعا، توسل، نماز و تبرک جستن به حرم صالحان و پیامبر اعظم ﷺ را حرام و غیرشرعی می‌داند؛ چنان که فرقه‌های افراطی سلفی و گروه وهابیت در سال‌های اخیر با نفوذ خود در افغانستان، به‌ویژه شهر هرات، دست به تخریب مزارت و اهانت به آنها زدند و اندیشه‌های مسموم خویش را مبنی بر حرمت و بدعت زیارت و توسل به بقاع متبرکه، تبلیغ می‌کنند و آن را امری غیرمشروع می‌دانند.

۲. سفرهای علمای افغانستان برای زیارت امام رضا

زیارت، چنان که گذشت، به معنای حضور زائر در محضر مزور است. وهابیت با زیارت، به این معنا که صرف حضور زائر عند المزور باشد، مشکل ندارد؛ اما سفر برای زیارت را حرام و غیرمشروع می‌داند.^۳ یکی از دلایلی که ابن تیمیه و پیروانش برای عدم مشروعیت سفر به قصد زیارت قبور صالحان مطرح کرده و آن را بدعت دانسته، استناد به حدیث «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةٍ...»^۴ است. به پیروی از ابن تیمیه و فرقه وهابیت، گروه‌های تندرو سلفی در افغانستان، به‌ویژه هرات، که مزارات زیادی را در خود جای داده است، به مخالفت با زیارت برخاسته و دست به اقدامات خراب کارانه، تخریب قبور و اهانت به آنها زده‌اند. این در حالی است که عالمان بزرگ اهل سنت افغانستان از گذشته‌های دور، زیارت را امری ممدوح و پسندیده می‌دانستند و به قصد زیارت امامان معصومین، از جمله امام رضا، بار سفر می‌بستند و به زیارت آن حضرت مشرف می‌شدند. سفر بزرگان اهل سنت از راه دور و مناطق مختلف افغانستان برای زیارت امام رضا، می‌تواند مهر بطلانی بر دیدگاه وهابیت دربارهٔ سفر برای زیارت باشد. در اینجا نمونه‌هایی از سیرهٔ علمای افغانستان مبنی بر زیارت امام رضا را مرور می‌کنیم.

۲-۱. ابن حبان بُستی (۲۷۰-۳۵۴ق)

ابن حبان بُستی یکی از عالمان برجستهٔ افغانستان بوده است که برخلاف دیدگاه وهابیت مبنی بر حرمت سفر برای زیارت قبور صالحان، هرساله بار سفر می‌بست و به زیارت امام رضا مشرف می‌شد. وی از دانشمندان و عالمان بزرگ اهل سنت شمرده می‌شود که در حوزهٔ فقه، حدیث، تفسیر، کلام و فلسفه تبحر داشته است.^۵ او به‌طور مکرر به

۱. احمدین عبدالحکیم ابن تیمیه حرانی حنبلی، جامع المسائل، ص ۲۳۹.

۲. احمدین عبدالرزاق البوشی، اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء، ج ۷، ص ۴۴۹.

۳. احمدین عبدالعظیم ابن تیمیه حرانی حنبلی، مجموعه الفتاوی، ج ۲۶، ص ۸۳ و ۸۴، همو، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۱۴۶.

۴. محمدین ابراهیم بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۶۳ محمدین عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۱، ص ۲۰۵.

۵. رک: نورالله کسبایی، ابن حبان بُستی، ص ۶۹-۸۲.

زیارت امام رضا علیه السلام می‌رفت؛ چنان که خودش می‌فرماید: «قد زُرْتُه (قبر) مراراً کثیرة»^۱ بارها قبر مطهر امام رضا علیه السلام را زیارت کردم. سفر ایشان به‌عنوان بزرگ‌ترین عالم و دانشمند اهل سنت برای زیارت امام رضا علیه السلام می‌تواند نقد عملی بر دیدگاه وهابیت و گروه سلفی باشد. تشرف مکرر *ابن حبان* به حرم امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد که زیارت قبر مطهر آن حضرت، نزد بزرگان اهل سنت نه تنها مشروعیت داشته، بلکه از اهمیت فراوان برخوردار بوده است.

۲-۲. فخررازی (۵۴۴-۶۰۶ق) و شاگردانش

فخرالدین رازی معروف به *فخررازی*، متبحر در تفسیر، کلام، حدیث، ادبیات و اخبار بوده و دارای تألیفات زیادی است. از جمله آثار وی *کتاب زیارة القبور* است که به درخواست شاه محمد بن سام بن حسین غوری نگاشته است.^۲ وی سبب اصلی مشروعیت زیارت را اثرپذیری روح زائر از مزور و بالعکس می‌داند.^۳ افزون بر این، *فخررازی* برای زیارت قبور صالحان فواید شش‌گانه ذکر می‌کند که در آن، سه فایده برای زائر و سه فایده برای مزور مترتب است.^۴ با مطالعهٔ این کتاب و دقت در سفر زیارتی *فخررازی* و شاگردانش از عالمان غور و غزنین به مشهد مقدس، روشن می‌شود وهابی‌هایی که با زیارت قبور مخالفت می‌کنند و آن را شرک می‌دانند، اولاً از مسائل علمی و عقلی دورند و از منطق و استدلال آگاهی ندارند؛ ثانیاً به دین و مذهب خودشان نیز پایبند نیستند؛ زیرا *فخررازی* که از علمای بزرگ و بلکه مجدد مذهب آنان در ابتدای قرن هفتم می‌باشد، معتقد به فضیلت زیارت قبور بوده است و فقط وهابیان تازه به دوران رسیده با آن مخالفت می‌کنند و نصوص دینی و روایی و اسناد تاریخی را نیز نادیده می‌گیرند. *فخررازی* که یکی از متکلمان و فیلسوفان بزرگ جهان اسلام به‌شمار می‌آید، مسئلهٔ زیارت قبور را به‌صورت عقلی مورد بحث و بررسی قرار داده و برای آن برهان اقامه کرده و اهمیت آن را به‌صورت فلسفی اثبات نموده است.^۵ وی عملاً نیز به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده است و پادشاهان غور و عالمان بزرگی از غور و غزنین نیز وی را برای زیارت امام رضا علیه السلام همراهی می‌کردند: «پادشاهان غور، سلطان *غیاث‌الدین* و *شهاب‌الدین غوری*... برای زیارت مرقد منور امام رضا علیه السلام مشرف شدند؛ درحالی که *فخررازی* و سایر عالمان غور و غزنی آنان را در زیارت امام رضا علیه السلام همراهی می‌کردند».^۶

از نکات مهم در این سفر زیارتی و معنوی *فخررازی*، همراهی عالمان دینی غور و غزنین و بسیاری از شاگردان وی و پیروان اهل سنت بوده است.

۱. محمد بن حبان بستی، الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷.

۲. محمد بن عمر فخررازی، المطالب العالیة من العلم الإلهی، ج ۷، ص ۲۷۵.

۳. همان، ص ۲۷۲-۲۷۶.

۴. احمد عابدی، فلسفه زیارت، ص ۲۲-۲۳.

۵. همان، ص ۴۱.

۶. عبدالعزیز طباطبایی، معجم اعلام الشیعه، ص ۱۹۱.

۲-۳. ابوبکر تایبادی (۷۲۲-۷۹۱ق)

یکی دیگر از عالمان بزرگ اهل سنت که در عصر حکومت تیموریان به فیض زیارت مشهد مقدس نائل آمد، زین‌الدین ابوبکر تایبادی است.^۱ وی از شاگردان نظام‌الدین هروری بود^۲ و در علوم معنوی و عرفانی از شاگردان شیخ‌الاسلام احمد نامقی جامی شمرده می‌شد.^۳ سفر عالمان بزرگ اهل سنت مانند ابوبکر تایبادی برای زیارت امام رضا^ع، به نوعی اعطای بینش و روشنگری برای این عده از فریب‌خوردگان است که امروزه در افغانستان بدون توجه به سیره عملی بزرگان اهل سنت در گذشته، مزارات را تخریب و به آنها اهانت و بی‌حرمتی می‌کنند. ابوبکر تایبادی بارها به زیارت امام رضا^ع مشرف شده است. از نکات جالب در سفر زیارتی تایبادی این است که نام‌برده به‌دستور استادش شیخ احمد نامقی به زیارت مشهد مقدس مشرف شد: «هم به اشاره روحانی و الهام لاهوتی او (شیخ‌الاسلام احمد نامقی جامی) احرام زیارت مشهد مقدس رضوی (سلام‌الله علی من حل فیه) بست و به آنجا رفت و خلعت‌ها و نوازش‌های ملکوتی یافت».^۴

وی بارها از تایباد (از روستاهای هرات)، به زیارت مرقد منور امام رضا^ع مشرف شده است.^۵ او چنان به زیارت بارگاه ملکوتی امام رضا^ع علاقه داشت که وقتی در یک سال به دلیل پاره‌ای مشکلات نتوانست به زیارت امام رضا^ع مشرف شود، فرزند بزرگش را نایب گرفت که از جانب وی به زیارت آن حضرت مشرف شود. از قول یکی از نوادگانش که همانم تایبادی نیز بوده است، او از پدرش شیخ صدرالدین که خود از عالمان و عارفان آن زمان به‌شمار می‌آید، درباره نیابتش از جانب پدر برای زیارت امام رضا^ع چنین نقل کرده است:

روزی در مسجد پیش پدر خود نشسته بودم. ناگه به چشم عنایت در من نظر کردند و گفت: ای فرزند خردمند! ترا عزیمت زیارت متبرک مشهد سلطان رضا (رضی‌الله‌عنه) باید کرد و پیاده به طواف آن بارگاه باید رفت؛ و چون دولت رفیق گردد و آن دولت دست دهد، بدان سعادت مشرف شوی، زود باشد که به ما توفیق‌های بزرگ نیز از تو رسد. پس، از آنجا عزیمت زیارت اولیاء طوس مقرر دار...^۶

وی نیز بنا به دستور پدر، با پای پیاده برای زیارت مرقد مبارک علی‌بن موسی الرضا^ع حرکت کرد. نام‌برده مدتی در حرم مطهر به زیارت، دعا و نیایش مشغول بود و کراماتی نیز از آن حضرت مشاهده می‌کند که وقتی به هرات برمی‌گردد، مولانا تایبادی آن را تفسیر بر خود و خانواده می‌کند و به مرگ یکی از فرزندانش تفأل می‌زند.^۷

۱. مصطفی‌بن عبدالله چلی، تقویم التواریخ، ص ۴۴۱.

۲. معین‌الدین محمد زمجی اسفزاری، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. مولانا زین‌الدین ابوبکر تایبادی، مقدمات تایبادی در شرح زندگی و کرامات عارف قرن هشتم، ص ۵۹.

۶. همان، ص ۱۳۰.

۷. همان.

بنابراین، زیارت امام رضا^۱ از منظر *ابوبکر تأییدی* دارای فضیلت و اهمیت بوده است. وی همچنین افزون بر توصیه به زیارت امام رضا^۲، خود مکرر بار سفر بسته و به زیارت آن امام همام مشرف شده است.

۲-۴. عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق)

یکی دیگر از دانشمندان اهل سنت که از هرات افغانستان به قصد زیارت مرقد شریف امام رضا^۳ به مشهد مقدس سفر کرد، *نورالدین عبدالرحمن جامی* است. وی افزون بر آنکه وزیر دربار تیموریان بود و بدین سبب نیز شهرت دارد، یکی از بزرگان اهل سنت نیز به شمار می‌رود و دارای آثار علمی فراوانی است. او از هرات به قصد حج گزاردن بیرون آمد و در راه به زیارت بارگاه امام هشتم شرف حضور یافت و مشهد مقدس آن حضرت را زیارت کرد.^۱ سفر دانشمندی بزرگ از اهل سنت مانند *جامی*، که تعصب مذهبی شدیدی نیز داشته، چنان که در جای جای آثارش قابل مشاهده است، می‌تواند نقدی عملی بر اندیشه و دیدگاه وهابیت باشد. وی هنگام زیارت مشهدالرضا^۴ اشعاری بس زیبا و عرفانی نیز سروده است که می‌توان گفت شاهکار تمام مدایحی است که هنگام زیارت آن امام رؤف سروده شده‌اند.

وی در این سفر دربارهٔ کربلا و نجف و مدینه‌الرسول نیز اشعاری سروده است؛ اما آنچه به‌عنوان شاهبیت سروده‌های *جامی* شناخته می‌شود و در اوج اشعار او قرار دارد، شعر او در سفر مشهد هنگام زیارت مرقد حضرت علی بن موسی الرضا^۵ است:

سلام علی آل خیر التبین

سلام علی آل طه و یاسین

امام بیاهی به الملک و الدین^۲

سلام علی روضة حل فیها

این شعر زیبایی *ملا جامی* که علاقه و عشق او را به امام رضا^۶ به خوبی حکایت می‌کند، از جایگاه والای عرفانی و معنوی امام رضا^۷ نزد این دانشمند عارف اهل سنت نیز پرده برمی‌دارد. وی در ادامهٔ این شعر، حضرت را «شه باغ عرفان» معرفی کرده است؛ چون از نظر *جامی*، آن حضرت آخرین صاحب خرقهٔ عارفانه از اولاد پیامبر^۸ بوده که زنجیره و واسطه و انتقال‌دهندهٔ عرفان به عرفای پس از خود است. بنا به گفتهٔ یکی از مورخان نزدیک به عصر *جامی*، این زنجیره را به‌ویژه در سلسلهٔ سوم عرفای نقشبندیه ذکر می‌کند. از همین رو امام رضا^۹ در میان اهل سنت از احترام خاصی برخوردار است. اهل سنت به آن حضرت لقب «سلطان» داده‌اند که از ویژگی‌های اقطاب عرفان بوده است. براین اساس، امام رضا^{۱۰} نزد اهل سنت «سلطان دین رضا» خوانده می‌شود و شدیداً مورد علاقهٔ ایشان است.

۱. نورالدین عبدالرحمان جامی، دیوان جامی، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ علی‌اصغر حکمت، جامی متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منثور، خاتم الشعراء نورالدین عبدالرحمان جامی، ص ۱۲۲.

۲. نورالدین عبدالرحمان جامی، دیوان جامی، ص ۱۸۳.

۲-۵. امیرعلی شیرنویی (۸۴۴-۹۰۶ق)

از دیگر کسانی که همراه با کاروانی بزرگ از عالمان هرات به مشهد مقدس و زیارت بارگاه ملکوتی علی بن موسی الرضا علیه السلام شتافت، امیرعلی شیرنویی است. وی به قصد زیارت بیت الله الحرام و روضه مبارکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله حرکت می کند و در مسیر خود به زیارت امام رضا علیه السلام نیز مشرف می شود؛ چنان که یکی از مورخان در این زمینه نگاشته است: «... با جمعی کثیر از اصحاب فضیلت مآب و ملازمان سده سدره انتساب، به جانب مشهد مقدسه رضویه - علی راقدها تحف السلام و التحیه - روان». ^۱

امیرعلی شیرنویی، افزون بر اینکه با جمعی از عالمان به زیارت بارگاه امام رضا علیه السلام مشرف شد، خدمات عام المنفعه نیز در مشهد مقدس انجام داد. تعداد زیادی از بناهای اطراف حرم، در زمان تیموریان و به همت امیرعلی شیرنویی ساخته شد. از آثار و بناهای مهم تیموریان در مشهد مقدس، که نشانه احترام تیموریان به مرقد و بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام است، می توان به مسجد گوهرشاد در جنوب حرم مطهر و دو رواق تاریخی «دار الحفاظ» و «دار السیاده»، و مدرسه پریزاد، کنار مدرسه بالاسر فعلی، اشاره کرد. ^۲ بنابراین، عالمان اهل سنت افغانستان به زیارت امام رضا علیه السلام اهتمام قائل بودند.

۲-۶. میرمحمدبن سیدبرهان الدین معروف به میرخواند (م. ۹۰۳ق)

یکی از شخصیت های علمی، به ویژه در حوزه تاریخ اسلام، که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده، میرمحمدبن سیدبرهان الدین خواننده شاه، معروف به میرخواند است. وی از علمای شافعی مذهب است که در عصر تیموریان مقیم هرات بود. ^۳ درباره چگونگی تشریف وی به زیارت امام رضا علیه السلام اطلاع چندانی در دست نیست؛ جز اینکه وی در گزارشی که از زائران قبر امام رضا علیه السلام ارائه داده، از حضور خود در مشهد مقدس و زیارت امام رضا علیه السلام خبر داده است. ^۴ بنابراین برخی از عالمان بزرگ اهل سنت به مشهد مقدس مشرف شده و قبر امام رضا علیه السلام زیارت کرده اند.

۳. دعا و توسل به امام رضا علیه السلام

زیارت قبور امامان معصوم علیهم السلام، امامزادگان و مؤمنان صالح و توسل به آن بزرگواران، از جمله شاخصه های اهل بیت مداری به شمار می آید. زائر ضمن زیارت قبور مطهر، به آن بزرگواران متوسل می شود و آنان را در پیشگاه خدا شفیع قرار می دهد و برای رفع گرفتاری و مشکلات، در پیشگاه خدا دعا می کند؛ اما فرقه وهابیت

۱. غیث الدین بن هماد الدین خواندمیر، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. محمدتقی مدرس رضوی، سال شمار وقایع مشهد در قرن های پنجم تا سیزدهم، ص ۲۵.

۳. خان بابا مشار، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، ج ۵، ص ۴۵۵.

۴. میرمحمدبن سیدبرهان الدین میرخواند، تاریخ روضه الصفا، ج ۳، ص ۴۱، ۴۶ و ۵۲.

و گروه‌های سلفی توسل و دعا بر سر مزار را بدعت، غیرمشروع و شرک‌آمیز می‌دانند و معتقدند که سلف صالح کسی را که در کنار قبر رسول خدا ﷺ دعا کند و به آن حضرت توسل جوید، نکوهش کرده است.^۱ آنان حتی تردد در اطراف قبور و نشستن در کنار مزارات برای تبرک جستن به مزار و تربت، همچنین دعا و نماز کنار قبور را شرک می‌دانند و معتقدند که شخص مسلمان نباید آن را انجام دهد؛^۲ چنان‌که در جایی دیگر گفته‌اند: «نباید نزد قبور نماز خواند و آن را به‌عنوان محلی برای دعا اتخاذ کرد و در نزد آن قرآن خواند. همهٔ اینها بدعت است».^۳ بنابراین از منظر وهابیت، زیارت قبور همراه با توسل، حتی زیارت قبر مطهر پیامبر اعظم ﷺ و توسل به آن حضرت، نه تنها مردود، بلکه حرام و معصیت است. این در حالی است که توسل به صاحبان مزارات اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ و شفیع قرار دادن آنان در پیشگاه خدای متعال و دعا و نیایش در کنار مزار آن بزرگواران برای تقرب به خداوند متعال، افزون بر اینکه امری پسندیده و عقلایی به‌شمار می‌آید، در قرآن کریم^۴ و روایات اهل بیت^۵ نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛^۶ از همین رو بسیاری از عالمان بزرگ و صاحب‌نام اهل سنت افغانستان به زیارت امام رضا^۷ مشرف می‌شدند. آنان برخلاف دیدگاه وهابیت، ضمن تشرف به حرم حضرت امام رضا^۸، به آن حضرت متوسل می‌شدند و بسیاری از مشکلات خویش را با توسل به آن حضرت حل و فصل می‌کردند. در ادامه، زندگی برخی از علمای برجستهٔ اهل سنت افغانستان را که موفق به این امر شده‌اند، مرور می‌کنیم.

۱-۳. ابن حبان بستنی

ابن حبان هرساله به زیارت امام رضا^۹ مشرف می‌شد و در کنار مضجع آن امام همام دست به دعا برمی‌داشت و به آن حضرت توسل می‌جست. وی ضمن زیارت و ادای احترام به امام رضا^{۱۰}، بسیاری از مشکلات علمی خویش را نیز با دعا و نیایش در کنار قبر مطهر آن امام همام و توسل به آن حضرت حل می‌کرد؛ چنان‌که وی چگونگی زیارت، دعا در کنار بارگاه امام رضا^{۱۱} و توسل به آن حضرت را این‌گونه توصیف می‌کند: «من بارها مرقد وی را زیارت کرده‌ام و هر مشکلی که برایم رخ می‌داد، قبر حضرت علی بن موسی الرضا^{۱۲} را... زیارت می‌کردم و برای برطرف شدن مشکلم دعا می‌کردم و هر بار دعایم مستجاب و مشکلم حل می‌شد. این کار را بارها تجربه کردم و پاسخ گرفتم».^{۱۳}

۱. محمدبن عبدالوهاب تمیمی نجدی، کشف الشبهات، ص ۵۱ عبدالعزیز عبدالله بن باز، مجموع فتاوی‌الملازمه عبدالعزیز بن باز، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. صالح فوزان، اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳. عبدالعزیز عبدالله بن باز، مجموع فتاوی‌الملازمه عبدالعزیز بن باز، ج ۱۳، ص ۴۹۴.

۴. مانند: ۲۵.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۶۲.

۶. محمدبن حبان بستنی، الثقات، ج ۸، ص ۴۵۷.

این نشان می‌دهد که ابن حبان بستی برخلاف دیدگاه وهابیت درباره دعا و نیایش بر سر مزار صالحان و توسل به آنان در پیشگاه خداوند، برای رفع مشکلات به‌طور مکرر به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده و ضمن زیارت حرم آن حضرت، مشکلات علمی و غیرعلمی خویش را با دعا و نیایش و توسل به آن حضرت حل کرده است.

۲-۳. زید فارسی (مجهول)

از دیگر عالمان اهل سنت که به زیارت قبر منور امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس مشرف شده و برای درمان مرض و بیماری خویش به آن حضرت متوسل شده، زید فارسی است. وی با حضور در مشهد مقدس و حرم امام رضا علیه السلام و شفیع قرار دادن آن حضرت به پیشگاه خداوند متعال، از مرض نقرس شفا یافته است؛ چنان‌که جوینی به‌نقل از حاکم نیشابوری، حضور زید فارسی در مشهد مقدس و شفا یافتن وی را چنین توصیف کرده است:

من در مرور مدت دو سال دچار مرض نقرس بودم؛ به‌طوری که نمی‌توانستم بایستم و نماز بخوانم. پس در خواب به من نشان دادند که چرا به زیارت قبر رضا علیه السلام نمی‌روی و پاهایت را به ضریحش نمی‌مالی و در کنار مزارش از خدا نمی‌خواهی تا بیماری ات شفا یابد؟! گفت: پس از این خواب، چهارپایی را کرایه کردم و به طوس آمدم و پاهایم را به قبر مالیدم و از خداوند [شفا] خواستم. پس آن درد از بین رفت و مدت دو سال است که در اینجا سکونت دارم و تاکنون دچار آن بیماری نشده‌ام.^۱

براین اساس، زید فارسی ضمن زیارت مرقد مطهر امام رضا علیه السلام به آن حضرت متوسل شده و از مرض پای خویش شفا یافته است. این نشان می‌دهد که ایشان هرچند از عالمان و دانشمندان اهل سنت است، برخلاف دیدگاه و باور وهابیت، زیارت قبر امام رضا علیه السلام را امری پسندیده می‌دانسته و به توسل و تبرک به قبر مطهر آن حضرت برای حل مشکلات و گرفتن شفای بیماری و عنایات اهل بیت علیهم السلام اعتقاد داشته است.

۳-۳. حمویه (مجهول)

یکی دیگر از شخصیت‌های مهم اهل سنت که از سرزمین بلخ به زیارت مشهد مقدس مشرف شده و ضمن زیارت قبر مطهر امام رضا علیه السلام به آن حضرت توسل یافته، حمویه حاکم بلخ است. وی قبل از اینکه به حکومت بلخ برسد، به مشهد مقدس مسافرت کرد و به پابوسی امام رضا علیه السلام رسید. وی در کنار ضریح مطهر امام رضا علیه السلام از خداوند متعال حکومت خراسان را درخواست کرد. حاجب و همراه حمویه نقل کرده است که من با حمویه در بلخ بودم. حمویه مردی را دید و گفت: به یاد می‌آوری روزی را که با هم قبر امام رضا علیه السلام را زیارت کردیم؛ تو از خدا امر ناچیزی خواستی و من حکومت خراسان را درخواست کردم؟ الآن خدا مرا به خواسته‌ام رساند و تو را به خواسته‌ات رساند.^۲ بدین ترتیب، بسیاری از شخصیت‌های علمی افغانستان که برخی از آنها از بزرگان اهل سنت نیز بوده‌اند، در این دوره تاریخی به مشهد مقدس آمده و به زیارت آن امام همام مشرف شده‌اند.

۱. ابراهیم محمد جوینی شافعی، فرادالمسئین، فی فضائل المرئضی والتول والسبطن والامه من ذریعهم، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲. محدثین صدوق، عین اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸۶؛ ابراهیم محمد جوینی شافعی، فرادالمسئین، ج ۲، ص ۲۱۹؛ قاضی نورالله شوشتری مرعشی، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۳۳، ص ۷۵۰ عبدالله بحرانی

در منابع تاریخی از توسل عالمان اهل سنت به امام رضا علیه السلام فراوان نقل شده است؛ از جمله دربارهٔ ابوبکر محمدبن اسحاق بن خزیمه، پیشوای اهل حدیث در خراسان، آمده است که وی با جمع کثیری از عالمان اهل سنت به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شد و در میان آن جمعیت، عالمان از مناطق مختلف از جمله هرات افغانستان نیز بودند. ابن خزیمه با تواضع فراوان به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شد و به آن حضرت متوسل گردید که به تبعیت از وی، همهٔ علما از جمله عالمان هراتی نیز حضرت را زیارت کردند و به آن امام بزرگوار متوسل شدند.^۱

نتیجه گیری

سلفی‌های افراطی و وهابیت سفر برای زیارت قبور صالحان، حتی زیارت قبر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او را حرام و آن را از مصادیق سفر معصیت می‌دانند. آنان معتقدند که دعا و نیایش بر مزار بزرگان دینی و مذهبی و توسل به آنان نیز شرک است و شخص مسلمان نباید در کنار قبور صالحان به دعا بپردازد و به آنان توسل جوید. این در حالی است که عالمان بزرگ اهل سنت افغانستان، نظیر امام فخر رازی، ملا جامی، ابوبکر تاییدی و سایر علما و بزرگان اهل سنت تا دوران ظهور صفویه، نه تنها به زیارت اعتقاد داشتند و آن را دارای فضیلت و امری مستحب مؤکد می‌دانستند، بلکه خود نیز به‌طور مکرر برای زیارت امام رضا علیه السلام بار سفر بسته و به زیارت آن حضرت مشرف شده‌اند. آنان ضمن زیارت قبر مطهر آن امام بزرگوار و ادای احترام به آن امام همام، به آن حضرت متوسل می‌شدند و بسیاری از مشکلات خویش را حل و فصل می‌کردند. ابن حبان بستی مشکلات علمی خویش را از طریق توسل به آن حضرت و دعا در کنار قبر ایشان حل می‌کرد؛ چنان‌که زید فارسی مرض و درد پایش را با تبرک به ضریح امام درمان کرد و شفا گرفت. این رفتار و سیرهٔ عملی بزرگان اهل سنت، خط بطلانی واضح بر دیدگاه وهابیت دربارهٔ زیارت قبور صالحان به‌شمار می‌آید.

منابع

- ابن ابی شیبه کوفی، عبدالله بن محمد، *المصنف فی الأحادیث والأثر*، تحقیق و تصحیح کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد، ۱۴۰۹ق.
- ابن تیمیه حرانی حنبلی، احمد بن عبدالحلیم، *الفتاوی الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- ، *جامع المسائل*، تحقیق علی بن محمد العمران، مکه، دار عالم الفوائد للنشر والتوزیع، ۱۴۳۲ق.
- ، *مجموعه الفتاوی*، تحقیق عبدالرحمن بن محمد، مدین، مجمع الملک فهد لطباعه المصحف الشریف، ۱۴۱۶ق.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، تحقیق و تصحیح عبدالحسین امینی، نجف اشرف، دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی، چ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ازدی، عبدالله بن محمد، *کتاب الماء*، تحقیق و تصحیح محمدمهدی اصفهانی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، ۱۳۸۷.
- اسعدی، مرتضی، *جهان اسلام*، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- امینی، عبدالحسین، *الزیارة*، تحقیق و تصحیح محمد حسون، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۷ق.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله، *عوامل العلوم والمعارف* (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد^{علیه السلام})، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۱۳ق.
- بخاری، محمد بن ابراهیم، *صحیح البخاری*، تحقیق مصطفی ذیب البغا، چ سوم، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
- بستی، محمد بن حبان، *الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان*، تحقیق شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۸ق.
- ، *الثقات، وزارة المعارف للحكومة العالیة الهندیة تحت مراقبة*، هند، دائرة المعارف العثمانیه، ۱۳۹۳ق.
- بن یاز، عبدالعزیز بن عبدالله، *مجموع فتاوی العلامة عبدالعزیز بن باز*، تحت اشراف محمد بن سعد الشویعر، بی جا، بی نا، بی تا.
- تایبادی، مولانا زین الدین ابوبکر، *مقامات تایبادی در شرح زندگی و کرامات عارف قرن هشتم*، تصحیح سیدعلاءالدین گوشه‌گیر، دزفول، افهام، ۱۳۸۲.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، تحقیق احمد محمدشاکر و دیگران، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- تیمی التجدی، محمد بن عبدالوهاب، *کشف التشیبهات*، المملكة العربیة السعودیة، وزارة الشؤون الإسلامیة والأوقاف والدعوة والإرشاد، ۱۴۱۸ق.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد، *فقه اللغة*، تحقیق و تصحیح جمال طلبه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، *دیوان جامی*، تصحیح اعلاخان افصح زاد، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۸.
- جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقرران*، تحقیق محمد صفایی، چ هفتم، قم، اسراء، ۱۳۸۹.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- جوینی شافعی، ابراهیم بن محمد، *فراندا السمتین فی فضائل المرتضی والبتول والسبغین و الاثمه من فرتیهم*، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ق.
- چلبی، مصطفی بن عبدالله، *تقویم التواریخ*، تحقیق و تصحیح میرهاشم محدث، تهران، احیاء کتاب، ۱۳۷۶.
- حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۰۹ق.
- حسینی زبیدی، محمدمرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و صحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- حکمت، علی اصغر، *جامی متضمن تحقیقات در تاریخ احوال و آثار منظوم و منثور خاتم الشعراء نورالدین عبدالرحمان جامی*، تهران، توس، ۱۳۶۳.
- حلی، الحاجه نجاج، *فقه العبادات علی المذهب الحنفی*، بی جا، بی نا، بی تا.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران، خیام، ۱۳۸۰.
- درگاهی، مهدی، *زیارت از منظر مذاهب اسلامی*، چ دوم، قم، مرکز ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۸.
- دولت‌آبادی، بصیراحمد، *شناسنامه افغانستان*، ترجمه محمدابراهیم شریعتی افغانستانی (عرفان)، چ چهارم، تهران، عرفان، ۱۳۸۷.

زمجی اسفزاری، معین الدین محمد، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تحقیق و تصحیح سیدمحمدکاظم امام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.

سبکی شافعی، علی بن عبدالکافی، *شفاء السقام فی زیارة خیرالانام*، چ چهارم، تحقیق سیدمحمدرضا حسینی جلالی، مصر، دار المصطفی، ۱۴۱۹ق.

سبواسی ابن همام، کمال الدین محمدبن عبدالواحد، *فتح القدير*، بیروت، دارالفکر، بی تا.

شوشتری مرعشی، قاضی نورالله، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، کتابخانهٔ آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

صاحبین عباد، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، تحقیق و تصحیح محمدحسن آل یاسین، بیروت، عالم کتاب، ۱۴۱۴ق. صدوق، محمدبن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چ دوم، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۶ق.

—، *عیون اخبار الرضا*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.

—، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۴۱۳ق.

ضیایی، محمدرضا، *تاریخ حوزه های علمیه شیعه در افغانستان*، چ دوم، قم، مرکز ترجمه و نشر بین المللی المصطفی، ۱۳۹۸.

طباطبایی، عبدالعزیز، *معجم اعلام الشیعه*، قم، مؤسسهٔ آل البیت، لایحه التراث، ۱۴۱۷ق.

طریحی، فخرالدین، *معجم البحرين*، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری، چ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.

طوسی، محمدبن حسن، *تهذیب الأحکام*، تحقیق و تصحیح حسن موسوی خراسان، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق. عابدی، احمد، *فلسفه زیارت؛ شرح و تحقیق زیارت القبور فخررازی*، قم، زائر، ۱۳۷۶.

عبدالرزاق الدویش، احمدبن، *اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء*، ریاض، رئاسة إدارة البحوث العلمیة والافتاء، بی تا.

عبدری فاسی مالکی، محمدبن محمدبن محمد، *المدخل*، بی جا، دارالتراث، بی تا.

عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.

فخررازی، محمدبن عمر، *المطالب العالیة من العلم الإلهی*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق.

فوزان، صالح، *اعانة المستفید بشرح کتاب التوحید*، چ سوم، بی جا، مؤسسهٔ الرسالة، ۱۴۲۳ق.

فیض کاشانی، ملاحسن، *تفسیر الصافی*، چ دوم، تهران، صدر، ۱۴۱۵.

فیومی، احمدبن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، چ دوم، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

قاری هروی، علی بن محمد، *شرح الشفا*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.

قاضی عیاض، *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی*، چ دوم، عمان، دار صادر، ۱۴۰۷ق.

قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

کسائی، نورالله، «ابن حبان بستی، تحصیلات، سفرها، آثار علمی و خدمات آموزشی»، *تحقیقات اسلامی*، ۱۳۷۴، سال دهم، ش ۱ و ۲، ص ۶۹-۸۲

کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک، *زین الاخبار*، تحقیق و تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

مدرس رضوی، محمدتقی، *سالتشمار وقایع مشهد در قرن های پنجم تا سیزدهم*، به کوشش ایرج افشار، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.

مدنی شیرازی، سیدعلی خان، *الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول*، تحقیق و تصحیح مؤسسهٔ آل البیت لإحياء التراث، مشهد، مؤسسهٔ آل البیت، لایحه التراث، ۱۳۸۴.

مشار، خان بابا، *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون*، بی جا، بی تا، ۱۳۴۰ق.

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

موصلی البلدحی، عبدالله بن محمود، *الاختیار لتعلیل المختار*، تعلیق شیخ محمود ابودقیقه، قاهره، مطبعة الحلبي، ۱۳۵۶ق.

مولی خسرو، محمدبن فرامرز، بی تا، *درر الأحکام شرح غرر الأحکام*، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.

میرخواند، میرمحمدبن سید برهان الدین، *تاریخ روضة الصفا*، تهران، کتابفروشی مرکزی، ۱۳۳۹.